



بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات

امنیت بین المللی

دکتر بهرام سرمست*

چکیده

در این مقاله سه فرضیه رقیب برای بررسی و سنجش طرح می شوند:

فرض بر این است که در دگرگونی امنیت بین المللی، بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدیدی موثر هستند و سنجش میزان و نحوه تاثیر گذاری این متغیرها می تواند درک و فهم ما را از تحول مفهوم امنیت بین المللی در عصر جهانی شدن تسهیل نماید.

فرضیه اول اینست که شرکتهای چند ملیتی، نهادها و سازمانهای بین المللی، سازمانهای غیردولتی منطقه ای و جهانی و حتی افراد از جمله بازیگران جدید در عرصه بین المللی محسوب میشوند.

شرکت های چند ملیتی در بسط ابعاد اقتصادی امنیت موثرند، نهادها و سازمانهای بین المللی در قالب اقدامات جمعی و در فرایند دموکراسی و حقوق بشر به برقراری صلح و امنیت بین المللی کمک می نمایند و سازمانهای غیر دولتی و افراد نیز به عوامل سیاسی و اجتماعی و زیست محیطی امنیت بیش از دولتها توجه می نمایند.

فرضیه دوم اینست که هر چند بطور سنتی تهدید امنیت بین المللی تنها از طریق توسل به زور و تهدید

* دانش آموخته دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

◇ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی

نظامی و بکارگیری جنگ افزارهای شناخته شده صورت می گرفت اما اکنون دایره تهدیدات امنیتی، ابعاد عمدتاً غیر نظامی یافته است و از آن جمله می توان به تهدیدات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی اشاره کرد.

علاوه بر اینها حملات تروریستی و تهدیدات دیجیتالی (تروریسم مجازی) از اهمیت ویژه ای در تحول مفهوم امنیت بین المللی برخوردار گشته اند.

فرضیه سوم اینست که گسترش سلاحهای کشتار جمعی اعم از جنگ افزارهای هسته ای، بیولوژیکی و شیمیایی نه تنها موجب افزایش ضریب امنیتی کشورها و امنیت بین المللی نگردیده اند بلکه عملاً موجب تهدیدات جدی برای امنیت بین المللی گشته اند میزان تاثیر این سلاحها بر تحول امنیت بین المللی زمانی بهتر شناخته می شود که مطالعه دقیقی از دارندگان و تولید کنندگان سلاحهای کشتار جمعی، توان تخریب فوق العاده، نحوه گسترش و ابزارهای پرتاب کننده این سلاحها صورت گیرد.

مروری بر یافته های فرضیه های فوق نشان می دهد باوجود تنوع و تعدد بازیگران، گسترش سلاحهای کشتار جمعی و ظهور سرچشمه های جدید برای تهدیدات امنیت بین المللی، جنگ به عنوان ابزار سیاسی در مناسبات کشورها افول پیدا کرده است، افزایش سود اقتصادی صلح و وابستگی های متقابل میان کشورها حرکت بسوی صلح دمکراتیک را به عنوان یک راهبرد امنیتی جایگزین، اجتناب ناپذیری ساخته است به تبع آن مطالعات امنیتی براساس رویکرد سنتی و واقع گرایانه اهمیت خود را ازدست داده است مطالعات امنیتی جدید بر اساس مکتب کپنهاک امنیت را نه در قالب رویکرد نظامی و راهبردی بلکه در قالب مباحث امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی، امنیت اجتماعی و توسعه انسانی دنبال می کنند.

کلید واژه ها

بازیگران بین المللی، سلاحهای کشتار جمعی، تهدیدات امنیت بین المللی، سازمانهای بین المللی، سازمانهای بین المللی غیردولتی، شرکت هایی چند ملیتی، تروریسم، تروریسم مجازی، جهانی شدن.

الف. بازیگران جدید بین المللی

عرصه بین المللی عرصه تعامل و تعارض بازیگران متعدد است که دارای منافع و علایق متفاوتی هستند. در نگرش سنتی به روابط بین الملل دولتها بازیگران اصلی روابط بین الملل محسوب می شوند. در

_____ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

اندیشه واقع گرایی به جز دولت ملی جایی برای بازیگران دیگر وجود ندارد. در این تفکر تعارض و تعامل میان دولت‌های ملی است و حتا سازمان‌های بین‌المللی نیز بازتابی از منافع و اراده دولت‌ها هستند. (۱) ظهور بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی به معنای وجود منافع و علایق متعدد و احتمالا متعارض بیشتر است. طبق ارزیابی ریچارد منزباخ و همکارانش در دهه ۱۹۷۰ که هنوز جهانی شدن چندان گسترده نبود و از رشد فزاینده اخیر برخوردار نشده بود، "بیش از یک سوم کلیه فعالیت‌های بین‌المللی منحصرآ بین بازیگران غیردولتی مثل شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های تروریستی صورت می‌گیرد. بعلاوه، بیش از ۵۰٪ کلیه فعالیت‌های بین‌المللی را تعاملات بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی تشکیل می‌دهد." (۲) این روند در سال‌های بعد ابعاد وسیع‌تری یافت. اقتصاد اهمیت و نقش برجسته‌ای در روابط بین‌الملل پیدا کرد و شرکت‌های چند ملیتی به عنوان بازیگران اصلی این حوزه نفوذ بیشتری در سیاست بین‌الملل یافتند. اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد در دوره پس از فروپاشی بلوک شرق فضای فراخ‌تری برای فعالیت‌های آنها فراهم آورد. ابعاد نرم قدرت در دوره پس از جنگ سرد اهمیت بیشتری پیدا کرد. با این حال، این پرسش همچنان مطرح است که بازیگران غیردولتی در تحول مفهوم امنیت چقدر موثر بودند؟ نگاهی اجمالی به حوزه نفوذ و فعالیت این بازیگران بین‌المللی ما را در شناخت میزان و چگونگی تاثیرگذاری آنها در دگرگونی مفهوم امنیت بین‌المللی کمک خواهد کرد.

شرکت‌های چندملیتی، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و جهانی و افراد از جمله بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شوند که احتمال می‌رود در تحول مفهوم امنیت موثر باشند. در زیر به تک تک این بازیگران و نقش آنها در امنیت پرداخته می‌شود.

شرکت‌های چندملیتی

شرکت‌های چندملیتی به آن دسته از شرکت‌ها یا موسسات سرمایه گذاری اطلاق می‌شود که دست کم مالکیت آنها در اختیار دو کشور باشد، در دو کشور به تولید کالا و ارائه خدمات بپردازند، مدیریت آن به صورت ترکیبی از سوی دو کشور اعمال شود، و راهبرد سرمایه‌ای و سودآوری فراملی و جهانی داشته باشد. هر چند صاحب‌نظران در این مورد اتفاق نظر ندارند اما وجود هر کدام از آنها معیاری برای شناخت این نوع شرکت‌ها می باشد. (۳) این شرکت‌ها معمولا دارای سرمایه و درآمدهای بزرگی هستند که در مواردی از سرمایه بسیاری از کشورها بیشتر می باشد. شرکت‌های چندملیتی بازیگری قدرتمند در روابط بین‌الملل و

اقتصادهای منطقه‌ای هستند و قدرت‌گیری آنها از ابعاد گوناگون روندی فزاینده به خود گرفته است. تحول در شرکت‌های چند ملیتی در سه مرحله روی داده است. مرحله نخست، مرحله گسترش صادرات است. دستور العمل شرکت‌های چند ملیتی در مرحله نخست گسترش صادرات به کشورهای دیگر بود. در این مرحله آنها به صادرکننده محصولات و کالاهای تولیدی تبدیل شدند. در مرحله دوم آنها برای دور زدن تعرفه‌های گمرکی و سهمیه‌بندی‌ها با احداث نمایندگی و شرکت‌های مونتاژ کننده در کشورهای مقصد قطعات را به آنها صادر و در آنجا مونتاژ می‌کردند. اکنون الگوی صادراتی خود را بر فن‌آوری‌های جدید متمرکز کرده‌اند و امتیاز آن را به کشورهای دیگر صادر می‌کنند. امتیاز معمولاً بسیار گران است و نیازی به سرمایه‌گذاری ندارد، اما شرکت مادر عملاً کنترل چندانی بر نحوه استفاده از این امتیاز ندارد. در مرحله سوم شرکت‌های چند ملیتی یک تقسیم کار چندملیتی را به صورت شبکه‌ای تجربه می‌کنند. مراحل مختلف طراحی، تحقیق و توسعه، سازماندهی، تولید، بازاریابی، امور مالی و ستادی در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد. شرکت باید برای هر یک از این مراحل عملیات، مکان مناسبی را پیدا کند. در این مرحله شرکت‌های چند ملیتی به سرمایه‌گذاری مستقیم و شبکه‌ای روی می‌آورند. (۴) به دلیل توانمندی‌های این شرکت‌ها و تحولات که در عرصه سیاست و اقتصاد بین‌المللی در دوره اخیر روی داده است، نقش و تاثیرگذاری این شرکت‌ها در جامعه جهانی افزایش یافته است که در زیر به برخی از ابعاد قدرت فزاینده آنها در سیاست بین‌الملل اشاره می‌شود.

توانمندی شرکت‌های برتر چند ملیتی

در مورد قدرت و نفوذ شرکت‌های چند ملیتی در جهان همین کفایت می‌کند که از ۱۰۰ اقتصاد برتر جهان، با توجه به میزان تولید ناخالص داخلی و میزان فروش، ۵۱ اقتصاد به شرکت‌های چند ملیتی تعلق دارد. فروش ۲۰۰ شرکت برتر چندملیتی رشدی سریع‌تر از رشد اقتصاد جهانی دارند. این ۲۰۰ شرکت بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۹ نقش خود را از ۲۵٪ در تولید جهانی به ۲۷/۵٪ افزایش داده‌اند. فروش سالانه این شرکت‌ها از فروش مجموع همه کشورهای غیر از ۱۰ اقتصاد برتر جهان بیشتر است. درآمد این ۲۰۰ شرکت چندملیتی برتر جهان از درآمد ۱/۲ میلیارد نفر جمعیت جهان که ۲۴٪ کل جمعیت جهان را شامل می‌شود، بیشتر است. هر چند این شرکت‌ها ۲۷/۵٪ از فعالیت اقتصاد جهانی را در اختیار دارند، اما تنها ۰/۷۸٪ جمعیت نیروی کار جهانی را بکار می‌گیرند. هر چند بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۹ سوددهی این

بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

شرکت‌ها ۳۶۲/۴ درصد رشد داشته است، اما نرخ رشد اشتغال در آنها تنها ۱۴/۴ درصد بوده است. از این ۲۰۰ شرکت چندملیتی برتر جهان ۸۲ مورد (۴۱٪ از کل) در آمریکا قرار دارند و ژاپن با ۴۱ مورد در مرحله دوم قرار دارد. کشورهای آلمان با ۲۰ شرکت و فرانسه با ۱۷ شرکت در رتبه‌های بعدی قراردارند. در بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۹ سهم بخش خدمات در میان فعالیت‌های ۲۰۰ شرکت چندملیتی برتر از ۳۳/۸٪ به ۴۶/۷٪ افزایش یافت که عموماً در بخش‌های مالی و ارتباطاتی بودند.(۵)

جدول رتبه‌بندی ۲۰۰ شرکت چندملیتی

کشور	۱۹۸۳		۱۹۹۵		۱۹۹۹	
	تعداد	فروش از٪	تعداد	فروش از٪	تعداد	فروش از٪
آمریکا	۹۰	۱۳۷۰/۶	۵۹	۱۹۹۴/۶	۸۲	۳۲۶۷/۲
ژاپن	۳۷	۶۳۵/۲	۵۸	۲۷۶۰/۸	۴۱	۲۰۳۴/۴
آلمان	۱۳	۱۵۸/۳	۲۲	۷۱۵/۳	۲۰	۹۴۸/۳
فرانسه	۱۳	۱۳۷/۵	۲۲	۵۷۹/۲	۱۷	۶۱۳/۷
انگلستان	۱۶	۲۳۰/۵	۱۳	۳۶۴/۹	۱۱	۴۳۹/۱
هلند	۴	۸۳/۱	۶	۲۰۹/۴	۷/۵	۳۱۳/۲
سوئیس	۲	۲۰/۳	۷	۱۷۰/۶	۶	۲۱۲/۹
ایتالیا	۴	۶۷/۳	۴	۱۲۴/۸	۴	۱۶۹/۲
کره ج.	۵	۳۶/۲	۴	۸۷/۷	۵	۱۴۰/۹

Source: Fortune, 1984, 1996, and 2000.

نگاهی به پراکندگی جغرافیایی شرکت‌های چندملیتی نشان می‌دهد که نزدیک به همه آنها در آمریکای شمالی، اروپا، و دو کشور آسیایی ژاپن و کره جنوبی قرار دارند. در سال‌های اخیر چند شرکت چینی، هندی و برزیلی نیز به جمع آنها پیوسته‌اند. اما دایره فعالیت آنها حدوداً سراسر جهان را پوشش می‌دهد. بنابراین اگر معیار مالکیت در مورد شرکت‌های چند ملیتی در نظر گرفته شود، این شرکت‌ها اغلب در اختیار چند کشور پیشرفته هستند؛ اما بر اساس معیار حوزه فعالیت، شرکت‌های چندملیتی اساساً در سراسر جهان فعالیت

دارند. آنها مرزهای ملی را در می نوردند و سرمایه، نیروی کار، فن آوری و کالاها را از این کشور به آن کشور منتقل می کنند. آنها در پی سود هستند و در بلندمدت هر کجا امنیت سود و سرمایه شان بیشتر تامین شود به آنجا می روند. (۶)

در کل شرکت های چندملیتی از بازیگران قدرتمند عرصه روابط بین الملل محسوب می شوند. قدرت آنها نه صرفا به خاطر منابع بزرگ مالی است که در اختیار دارند بلکه از میزان نفوذ بالای آنها در افکار عمومی مردم جهان و نقش آنها در ایجاد سبک و الگوی زندگی برای مردم جهان نیز ناشی می شود. آنها دارای نفوذ قابل ملاحظه ای در قدرت سیاسی در حکومت ها هستند و از توان لابی گری زیادی برخوردارند. آنها در جهانی شدن اقتصاد و ارتباطات نقش محوری دارند و عملا در کم رنگ شدن نقش دولت ها به عنوان مهمترین بازیگران رقیب در عرصه بین المللی نقش اساسی دارند. آنها با عدم پرداخت مالیات به دولت ها و نادیده گرفتن مرزها و محدودیت ها و مقررات دولت ها در افول حاکمیت دولت ها بخصوص در کشورهای ضعیف نقش اساسی در تضعیف دولت ملی و ارائه راه حل های جایگزین برای کار ویژه های دولت ها دارند. (۷)

البته این موارد اصولا جزو اقدامات و نتیجه کارکردهای شرکت های چندملیتی است، برخی دیگر از اقدامات این شرکت ها را می توان در قالب مداخلات غیرقانونی این شرکت ها در حکومت ها مطرح کرد که دامنه و سابقه ای بس طولانی دارند. (۸)

در مورد شرکت های چندملیتی نظرات موافق و مخالف زیادی وجود دارد، اما اکثر صاحب نظران اذعان دارند که آنها در عرصه بین المللی چنان قدرتی دارند که نمی توان آنها را نادیده گرفت. نفوذ و قدرت آنها در حال افزایش است و روند تحولات در عرصه بین المللی به سود آنها رقم می خورد. از نظر موافقان، شرکت های چند ملیتی به دلیل نقش مثبتی که در افزایش فعالیت های اقتصادی جهان دارند و همچنین نقش آنها در سوق دادن سرشت امور بین المللی از قدرت سخت به قدرت اقتصادی و قدرت نرم، در حفظ و تامین امنیت بین المللی بسیار مفید هستند و آنها توانسته اند در تغییر توجهات در حوزه و مفهوم امنیت از امور سخت نظامی به امور نرم اقتصادی موثر باشند. از نظر این گروه در جهانی که مردم از ملی گرایی افراطی کور به تنگ آمده اند، رشد شرکت های چند ملیتی به تنظیم مناسبات بین المللی به صورت معتدل کمک می کند. اما برعکس، بر اساس دیدگاه بدبینانه، شرکت های چندملیتی ابزارهای استعمار جدید هستند و در عرصه بین المللی یک بازی غیرمسوولانه دارند. آنها با غارت سرمایه کشورهای جهان سوم به صورت اربابانی غایب و بی توجه به شرایط محلی به فکر سود خود هستند. لذا برای جلوگیری از بروز مشکلات

_____ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

بیشتر باید به فکر تقویت دولت‌های ملی و ترتیبات محلی و منطقه‌ای بود. آنها نه تنها در ایجاد امنیت برای کشورهای جهان سوم موثر نیستند بلکه با بهره برداری از منابع این کشورها و نابودی اقتصاد محلی آنها عملاً به ایجاد ناامنی اقتصادی بیشتر در این کشورها کمک می‌کنند. (۹) با این حال هر دو گروه در این موضوع اتفاق نظر دارند که گسترش فعالیت شرکت‌های چند ملیتی در جهان به توجه بیشتر به بعد اقتصادی امنیت کمک کرده است.

نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی

نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی به دو گروه کلی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند. گروه اول را نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی و گروه دوم را سازمان‌های غیردولتی می‌گویند. در سال‌های اخیر هر دو طیف از این نهادهای و سازمان‌ها گسترش عمودی و افقی زیادی در عرصه بین‌المللی داشتند.

الف- سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (INGOs) با رشد و گسترش جهانی شدن نفوذ فزاینده‌ای در سیاست بین‌المللی یافته‌اند. این سازمان‌ها اغلب فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی جوامع و کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. جدا از شرکت‌های چندملیتی، عموماً فعالیت این سازمان‌ها، (لزوماً نه همه) بر حقوق زنان، حمایت از محیط زیست، حقوق بشر، توسعه اقتصادی، مبارزه با بیماری‌ها، کمک‌های امدادی، و به طور کلی بهبود کیفیت زندگی در جهان متمرکز هستند. در برخی از کشورهای جهان این سازمان‌ها راهی برای گسترش دموکراسی در کشورها و جهان هستند. (۱۰)

پیدایش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به قرن نوزدهم برمی‌گردد اما به طور رسمی نخستین بار در منشور سازمان ملل بود که در قالب فصل ۲۷ موقعیت مشورتی به این سازمان‌ها دادند و ترتیباتی را در مورد چگونگی برقراری ارتباط بین آنها و سازمان ملل در نظر گرفتند. اما رشد اصلی آنها با گسترش ارتباطات، جهانی شدن و این تفکر که بسیاری از مشکلات بشر در قالب دولت‌های ملی حل شدنی نیستند، همزاد و همراه بود.

مطالعه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز مراحل متفاوتی را پشت سر گذاشته است. در دهه ۱۹۷۰ تمرکز این نوع مطالعات بیشتر بر شرکت‌های چندملیتی بود که آنها را سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

انتفاعی قرار می‌دادند. مطالعات در دوره دوم به سوی بررسی روابط و تعاملات سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و دولت‌ها معطوف شد. مرحله سوم که با ظهور و رشد سازه‌انگاری و نظریه‌های انتقادی همراه است، مطالعات بر افزایش قدرت بازیگران فراملی، نحوه شکل‌گیری اجتماعات معرفتی، شبکه حمایتی (ارزش‌ها و هنجارها) از این سازمان‌ها تمرکز دارد. (۱۱) اگر در آغاز سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به عنوان ابزار قدرت دولت‌ها در تامین اهداف و منافع خود در جهان تلقی می‌شدند، اکنون نگاه‌ها به سوی نقش این سازمان‌ها در برقراری روابط بین مردم و دولت‌ها و جایگاه آنها در افول جایگاه دولت‌ها و فرسایش حاکمیت ملی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی متمرکز است. این فرسایش عملاً هم از سوی سازمان‌های بین‌دولتی مثل اتحادیه اروپا، آسه‌آن و سازمان ملل صورت می‌گیرد و هم از سوی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی اعم از سازمان‌های انتفاعی مثل شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های غیرانتفاعی مثل سازمان‌های حقوق بشری انجام می‌شود. (۱۲) با گسترش جهانی شدن اکنون به نظر می‌رسد این سازمان‌ها به بازیگران مهم بین‌المللی تبدیل شده‌اند و هیچ مطالعه‌ای نمی‌تواند بدون توجه به آنها به تبیین دقیق سیاست بین‌الملل بپردازد.

با وجود این پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در تحول مفهوم امنیت چه نقشی دارند؟ آیا می‌توان بین افزایش تعداد و تاثیرگذاری سازمان‌های مزبور در عرصه بین‌المللی و تحول مفهوم امنیت ارتباط معناداری پیدا کرد؟

در حال حاضر بیش از ۲۵ هزار سازمان بین‌المللی غیردولتی در جهان فعال هستند. برخی از این سازمان‌ها تاثیرات محلی و منطقه‌ای دارند و برخی در حوزه جغرافیایی وسیعی فعالیت می‌کنند و تاثیرات جهانی دارند. (۱۳) تاثیرگذاری این سازمان‌ها را در تحول مفهوم امنیت به دو گونه می‌توان توضیح داد. گونه نخست وجود خود این سازمان‌ها به عنوان بازیگران جدید بین‌المللی است که عملاً رقیب قدرتمند و در حال گسترش دولت‌های ملی تلقی می‌شوند. گونه دوم تاثیرگذاری آنها با توجه به نوع فعالیت و میزان نفوذ آنها در سیاست و امنیت بین‌الملل است. در این گونه بررسی باید نوع، موضوع فعالیت و حوزه جغرافیایی آنها در نظر گرفته شود.

موضوع فعالیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی عموماً در عرصه‌های غیرسیاسی قرار دارد. حمایت حقوق بشر، گسترش دموکراسی، حفاظت از محیط زیست، توسعه پایدار در جهان، مقابله با بیماری‌های فراگیر و ارائه کمک‌های امدادی به آسیب دیدگان، و جنگ و صلح محورهای اساسی فعالیت‌های سازمان‌های

بین المللی غیردولتی غیر انتفاعی است. (۱۴) سازمان های انتفاعی نیز عموماً در حوزه اقتصادی فعالیت می کنند. حوزه فعالیت سازمان های مزبور بین حوزه دولتی و حوزه خصوصی قرار دارد که از آن معمولاً با عنوان حوزه مدنی نام می برند. فعالین این حوزه نه مسوولیت های دولت را بر عهده دارند و نه به دنبال به دست گرفتن قدرت دولتی هستند. از این جهت با احزاب سیاسی تفاوت اساسی دارند. اما این به معنای آن نیست که این بازیگران تأثیری در حوزه سیاست ندارند. تأثیر آنها عموماً غیرمستقیم و اجتماعی است. آنها حوزه فعالیت دولت ها را محدود کرده و سیاست های آنها را در راستای اهداف خود سوق می دهند.

شکسته شدن انحصار بازیگری دولت در عرصه بین المللی نخستین تأثیر فعالیت سازمان های بین المللی غیردولتی در جهان است. وجود و گسترش فعالیت این سازمان ها موجب شده تا انحصار دولت ها در مورد اینکه بهترین و شایسته ترین سازمان در موضوع امنیت هستند شکسته شود. همچنان که محدود شدن موضوع امنیت به مباحث راهبردی شکسته شده است و اکنون نمی توان امنیت را صرفاً به موضوعات دولتی محدود نمود. امنیت زیست محیطی به یکی از موضوعات اساسی امنیت تبدیل شده است. اما نمی توان ارتباط جدا کننده ای بین این عامل و عوامل دیگر در این تحول یافت. نکته ای که باید مورد تأکید قرار گیرد این است که سازمان های بین المللی غیردولتی در تمام حوزه های فعالیت بین المللی حضور جدی دارند. نقش آنها در هدایت افکار عمومی در مورد مسایل مهم جهانی ابزار قدرتمندی در تحدید حوزه قدرت دولت ها محسوب می شود. هرچقدر موضوع سیاسی و امنیتی است تأثیرگذاری آنها بر روی دولت ها در تعریف و تعیین مرجع امنیت، موضوع تهدید و شیوه مقابله با تهدیدات بیشتر می شود. در موضوع جنگ و صلح آنها مستقیماً در حوزه مباحث امنیتی ایفای نقش می کنند و هرچقدر موضوع غیر سیاسی می شود تأثیرگذاریشان در حوزه تحول مفهوم امنیت کمتر می شود. با وجود همه اینها سازمان های بین المللی غیردولتی مسوول مستقیم مسایل حوزه امنیت به مفهوم مضیق و سنتی آن نیستند ولی در حوزه های جدید امنیت مثل مقابله با بیماری های فراگیر، این بازیگران نقش نسبتاً مستقیمی نیز بر عهده می گیرند. (۱۵)

گروهی از سازمان های بین المللی غیردولتی که در حوزه های نزدیک به مسایل سیاسی، مثل حقوق بشر، جنگ و صلح، حکومت های خوب، فعالیت دارند تأثیر بیشتر و عمیق تری در تحول مفهوم امنیت بر جای می گذارند و موضوع و مرجع امنیت را از انحصار دولت خارج ساخته و به آن مصادیق بیشتری مثل تک تک افراد نسبت می دهند و تهدیدات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی را در عداد موضوعات تهدیدکننده امنیت قرار می آورند. (۱۶) اما باید در نظر داشت که تأثیر این بازیگران در این موضوعات اساساً از حوزه

تحول در نگرش و برداشت مردم و دولت‌ها از دموکراسی می‌گذرد و از این جهت تفکیک تاثیرگذاری این متغیرها در تحول مفهوم امنیت به مراتب دشوارتر است. اصل کلی دیگر این است که تاثیر هر کدام از آنها از موضوعی به موضوع دیگر تفاوت دارد. (۱۷) در بحث دموکراسی بار دیگر با تاکید بر آن به این موضوع پرداخته خواهد شد.

بازیگران فراملی اعم از دولتی و غیردولتی تاثیرات دیگری نیز بر امنیت و دگرگونی نحوه تامین آن دارند که از طریق فعالیت آنها در برقراری صلح و امنیت در جهان صورت می‌گیرد. این سازمان‌ها در دهه‌های اخیر نقش تاثیرگذاری در برقراری امنیت در جهان داشته‌اند.

نقش و میزان مداخلات سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت بین المللی

سازمان ملل متحد که پس از جنگ جهان دوم جایگزین جامعه ملل شد، بزرگترین سازمان بین المللی است که نقش اصلی را در حفظ صلح و تامین امنیت در جهان بر عهده دارد. این سازمان که تبلوری از امنیت دسته جمعی است، سازمانی بین دولتی محسوب می‌شود و حدوداً همه کشورهای جهان عضو آن هستند. ارکان مختلف سازمان ملل با توجه به ابعاد و فرایندهای گوناگون تهدید و تامین صلح و امنیت جهانی طراحی و ایجاد شده‌اند. این سازمان تاکنون به طرق گوناگون نقش موثری در برقراری امنیت در جهان ایفا کرده است. برخی از این اقدامات مستقیم مثل تشکیل گروه‌های صلح‌بانی در مناطق بحران زده، و برخی از آنها غیرمستقیم بوده است. تشکیل سازمان‌های حقوقی و داوری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ایجاد ساختارهایی برای بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مختلف جهان برای جلوگیری از تشدید عوامل اجتماعی ناامنی، ایجاد رژیم‌ها، ساختارها، قواعد و هنجارهای بین المللی مناسب برای تبادل اطلاعات، شفاف‌سازی امور و کاهش ابهام، رفع معمای امنیت از اقدامات امنیتی کشورها، مقابله با رفتارهای ناهنجار بازیگران در عرصه بین المللی و بالاخره فراهم آوردن بستری مناسب برای مدیریت جمعی منازعات به حفظ صلح و برقراری امنیت در جهان کمک می‌کنند. (۱۸)

با وجود نقش سازنده این نهادها در حفظ صلح و امنیت بین المللی این سازمان‌ها نقش چندانی در تحول مفهوم امنیت بین المللی ندارند. این سازمان‌ها به دلیل ماهیت بین دولتی‌شان از تمایل و توان اندکی در تغییر و تحول مفهوم امنیت دارند. با این حال رشد و گسترش این سازمان‌ها و افزایش نفوذ آنها در عرصه بین المللی و بخصوص افزایش استقلال آنها از دولت‌های تشکیل دهنده این امکان را برای آنها

_____ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

فراهم می آورد که کار ویژه منحصر به فرد دولت‌ها به عنوان تامین کنندگان امنیت زیر سوال برود. از این منظر تاثیر این سازمان‌ها در تحول مفهوم امنیت بیشتر در بعد کارگزار تامین امنیت بروز می یابد. اما ویژگی جدید و جمعی بودن این سازمان‌ها موجب می شود که آنها زودتر از دولت‌ها خود را با دگرگونی‌های جدید در عرصه نظری و عملی تطبیق دهند. معمولاً این سازمان‌ها به عوامل سیاسی، اجتماعی، و زیست محیطی امنیت بیش از دولت‌ها توجه کرده و در اقدامات خود آنها را مورد نظر قرار می دهند. (۱۹)

در مورد سازمان‌های نظامی بین‌المللی مثل سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تنها گزاره نخست صدق می کند. آنها به صورت جمعی به برقراری امنیت می پردازند و در حفظ صلح میان اعضای خود موفق بوده اند و احتمال می رود با گسترش حوزه فعالیت آنها به سایر مناطق جهان نقش فعالتری در تامین امنیت در سایر مناطق جهان ایفا کنند. اما نگاه آنها به امنیت عموماً یک نگاه محدودنگر و سنتی است. آنها کمتر به سایر ابعاد امنیت توجه دارند و از این جهت بیشتر به تقویت نگاه سنتی دولت‌ها به امنیت کمک می کنند تا این که به تحول در مفهوم امنیت بپردازند. (۲۰)

افزایش تعداد و نقش بازیگران غیردولتی فراملی

گروه دیگری از بازیگران بین‌المللی که در سال‌های اخیر رشد و نفوذ چشمگیری در عرصه بین‌المللی داشت، بازیگران بین‌المللی غیردولتی تروریستی و سازمان‌های جنایت کار بین‌المللی بودند. این بازیگران در دوره جهانی شدن بستر مناسبی برای رشد یافتند. جهانی شدن با فراهم آوردن امکان ارتباطات گسترده میان افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن مانع فاصله جغرافیایی را از میان برداشت و این فرصت را برای بازیگران غیردولتی فراهم آورد که بدون حضور در یک حوزه مکانی در مورد موضوعات، علایق و نظرات خود با دیگران تبادل نظر کنند، پیام خود را به آنها برسانند، و به ایجاد جوامع گوناگون معرفتی و شبکه‌ای اقدام کنند. این جوامع در قالب‌های گوناگون مثبت و منفی، بخش دولتی و غیردولتی، انتفاعی و غیرانتفاعی فعال هستند و هر روز بر تعداد آنها افزوده می شود. گروه‌های تروریستی شبکه‌ای در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشتند (۲۱) و از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اقدامات خشونت‌آمیز تروریستی و راه‌های مقابله با آنها از سوی دولت‌ها ابعاد وسیعتری یافت و به موضوع اساسی امنیتی در جهان تبدیل شد. جدا از افزایش میزان حملات، دستیابی گروه‌های تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی هراس از حملات این گروه‌ها را افزایش داده و آنها را به مشکلی اساسی نه برای کشورهای کوچک بلکه ابرقدرت‌ها و به نوعی تمام مردم

◇ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی

جهان تبدیل کرده است. گسترش گروه‌های تروریستی در آغاز قرن بیست یکم در همه ابعاد سازماندهی، جغرافیایی، تسلیحاتی، و عملیاتی بود. (۲۲)

نقش افراد در حفظ صلح و امنیت بین المللی

نقش افراد در حفظ صلح و امنیت بین المللی همانند نقش گروه‌ها شدیداً تحت تاثیر رشد جهانی شدن در دهه اخیر قرار داشت. به طور سنتی افراد برجسته در جهان به دلیل شخصیت و سابقه‌ای که در جهان دارند برای حفظ صلح و امنیت بین المللی دست به ابتکاراتی می‌زنند و با بهره‌گیری از نفوذ خود تصمیمات رهبران را به سمتی سوق می‌دهند که اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل شده و به جنگ نینجامد. اما در عصر جهانی شدن نقش این افراد برجسته‌تر شده است. آنها به خاطر گسترش ارتباطات و رسانه‌های گروهی از یک طرف و افزایش نقش مردم در تصمیمات سیاسی و امنیتی از سوی دیگر نقش بیشتری در حفظ صلح و امنیت بین المللی ایفا می‌کنند. اکنون به جمع سیاستمداران محبوب، که در تامین هدف از هر دو کانال سیاسی و مردمی استفاده می‌کنند، طرفداران صاحب نام حقوق بشر و چهره‌های هنری ورزشی نیز اضافه شده‌اند. آنها با بهره‌گیری از محبوبیت خود در نزد مردم و شبکه‌های گسترده ارتباط جمعی، افکار و اندیشه‌های صلح‌جویانه را بین مردمان کشورهای مختلف گسترش می‌دهند و آن را به ارزشی جهانی تبدیل می‌کنند که تخطی از آن برای زمامداران کشورهای مختلف بسیار پرهزینه است. افرادی مثل نلسون ماندلا، پرنسس دایانا، برنده گان جایزه صلح نوبل، چهره‌های سینمایی، ورزشی و هنری که به صورت فردی یا در قالب سفرای افتخاری سازمان ملل، سازمان‌های خیریه، و حتی دولت‌ها نقش قابل توجهی در ایجاد ارزش‌های جهان شمول و شکل دادن به افکار عمومی در حفظ صلح و امنیت بین المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات ایفا می‌کنند (۲۳) که این وجه از موضوع در بحث نقش دموکراسی در افزایش امنیت مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بازیگران جدید بین المللی در تحول مفهوم امنیت نقش محدودی دارند. بازیگران اقتصادی مثل شرکت‌های چند ملیتی بعد اقتصادی امنیت را برجسته ساخته و در این حوزه نقش نسبتاً قابل توجهی دارند. اکثر صاحب نظران اذعان دارند که آنها در عرصه بین المللی چنان قدرتی دارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. نفوذ و قدرت آنها در حال افزایش است و روند تحولات در عرصه بین المللی به سود آنها رقم می‌خورد. از نظر موافقان، شرکت‌های چند ملیتی به دلیل نقش مثبتی که در افزایش فعالیت‌های اقتصادی

_____ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

جهان دارند و همچنین نقش آنها در سوق دادن سرشت امور بین المللی از قدرت سخت به قدرت اقتصادی و قدرت نرم، در حفظ و تامین امنیت بین المللی بسیار مفید هستند و آنها توانسته اند در تغییر توجهات در حوزه و مفهوم امنیت از امور سخت نظامی به امور نرم اقتصادی موثر باشند. از نظر این گروه در جهانی که مردم از ملی گرایی افراطی کور به تنگ آمده اند، رشد شرکت های چند ملیتی به تنظیم مناسبات بین المللی به صورت معتدل کمک می کند. اما برعکس، بر اساس دیدگاه بدبینانه، شرکت های چند ملیتی ابزارهای استعمار جدید هستند و در عرصه بین المللی یک بازی غیرمسوولانه دارند. آنها با غارت سرمایه کشورهای جهان سوم به صورت اربابانی غایب و بی توجه به شرایط محلی به فکر سود خود هستند. لذا برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر باید به فکر تقویت دولت های ملی و ترتیبات محلی و منطقه ای بود. آنها نه تنها در ایجاد امنیت برای کشورهای جهان سوم موثر نیستند بلکه با بهره برداری از منابع این کشورها و نابودی اقتصاد محلی آنها عملاً به ایجاد ناامنی اقتصادی بیشتر در این کشورها کمک می کنند. (۲۴) با این حال هر دو گروه در این موضوع اتفاق نظر دارند که گسترش فعالیت شرکت های چند ملیتی در جهان به توجه بیشتر به بعد اقتصادی امنیت کمک کرده است.

گروه دیگر از بازیگران جدید بین المللی، سازمان های بین المللی هستند. بخشی از سازمان های بین المللی غیردولتی که در حوزه های نزدیک به مسایل سیاسی، مثل حقوق بشر، جنگ و صلح، حکومت های خوب، فعالیت دارند تاثیر بیشتر و عمیق تری در تحول مفهوم امنیت برجای می گذارند و موضوع و مرجع امنیت را از صرف دولت خارج ساخته و به آن مصادیق بیشتری مثل تک تک افراد نسبت می دهند و تهدیدات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی را در عداد موضوعات تهدید کننده امنیت قرار می آورند. (۲۵) اما باید در نظر داشت که تاثیر این بازیگران در این موضوعات اساساً از حوزه تحول در نگرش و برداشت مردم و دولت ها از دموکراسی می گذرد و از این جهت تفکیک تاثیر گذاری این متغیرها در تحول مفهوم امنیت به مراتب دشوارتر است. اصل کلی دیگر این است که تاثیر هر کدام از آنها از موضوعی به موضوع دیگر تفاوت دارد. (۲۶) بازیگران فراملی اعم از دولتی و غیردولتی تاثیر از دیگری نیز بر امنیت و دگرگونی نحوه تامین آن دارند که از طریق فعالیت آنها در برقراری صلح و امنیت در جهان صورت می گیرد. این سازمان ها در دهه های اخیر نقش تاثیر گذاری در برقراری امنیت در جهان داشته اند.

با وجود نقش سازنده این نهادها در حفظ صلح و امنیت بین المللی این سازمان ها نقش چندانی در تحول مفهوم امنیت بین المللی ندارند. این سازمان ها به دلیل ماهیت بین دولتی شان از تمایل و توان اندکی

در تغییر و تحول مفهوم امنیت دارند. با این حال رشد و گسترش این سازمان‌ها و افزایش نفوذ آنها در عرصه بین‌المللی و بخصوص افزایش استقلال آنها از دولت‌های تشکیل دهنده این امکان را برای آنها فراهم می‌آورد که کار ویژه منحصر به فرد دولت‌ها به عنوان تامین کنندگان امنیت زیر سؤال برود. از این منظر تاثیر این سازمان‌ها در تحول مفهوم امنیت بیشتر در بعد کارگزار تامین امنیت بروز می‌یابد. اما ویژگی جدید و جمعی بودن این سازمان‌ها موجب می‌شود که آنها زودتر از دولت‌ها خود را با دگرگونی‌های جدید در عرصه نظری و عملی تطبیق دهند. معمولاً این سازمان‌ها به عوامل سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی امنیت بیش از دولت‌ها توجه کرده و در اقدامات خود آنها را مورد نظر قرار می‌دهند. (۲۷)

در مورد سازمان‌های نظامی بین‌المللی مثل سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تنها گزاره نخست صدق می‌کند. آنها به صورت جمعی به برقراری امنیت می‌پردازند و در حفظ صلح میان اعضای خود موفق بوده‌اند و احتمال می‌رود با گسترش حوزه فعالیت آنها به سایر مناطق جهان نقش فعالتری در تامین امنیت در سایر مناطق جهان ایفا کنند. اما نگاه آنها به امنیت عموماً یک نگاه محدودنگر و سنتی است. آنها کمتر به سایر ابعاد امنیت توجه دارند و از این جهت بیشتر به تقویت نگاه سنتی دولت‌ها به امنیت کمک می‌کنند تا این که به تحول در مفهوم امنیت بپردازند.

ب. بروز تهدیدهای جدید امنیتی

به طور سنتی تهدید امنیت ملی تنها از طریق تهدید نظامی صورت می‌گیرد. تهدیدات نظامی مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است. اما اکنون دایره تهدیدات امنیت ملی بسیار گسترش یافته است. باری بوزان از اعضای مؤثر مکتب کپنهاک برای تهدیدات ملی پنج بعد متفاوت در نظر می‌گیرد: تهدید نظامی، تهدید سیاسی، تهدید اجتماعی، تهدید اقتصادی و تهدید زیست محیطی. معمولاً در تهدید نظامی اقدام می‌تواند همه اجزاء دولت را تهدید کند؛ پایه مادی دولت تحت فشار قرار می‌گیرد و امکان دارد خسارات زیادی به بار بیاورد؛ چون استفاده از زور می‌تواند تحولات نامطلوبی را به دنبال داشته باشد، معمولاً تهدیدات نظامی در برنامه‌های امنیت ملی از بالاترین اولویت برخوردارند. (۲۸) اما در نگرش‌های جدید، امنیت صرفاً به بعد نظامی محدود نمی‌شود و به ابعاد دگر آن نیز توجه می‌گردد که در زیر به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

۱- ابعاد غیرنظامی تهدیدات امنیت

تهدیدات سیاسی: تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمان دولت است. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر دولت در مورد سیاست خاصی تا واژگونی، جدایی طلبی، و بر هم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت بوده باشد. هویت ملی و ایدئولوژی سازمان دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، اهداف عادی تهدید سیاسی به شمار می آیند. (۲۹)

تهدید سیاسی می تواند ساختاری باشد. این نوع تهدید بیش از آنکه از مقاصد خاص بازیگران ناشی شود از ماهیت دولت نشأت می گیرد. برای نمونه روح زمان (Zeigeist) در قرن بیستم مخالف حکومت پادشاهی است و مشروعیت این نوع رژیم ها را تهدید می کند. به طور خاص تهدید سیاسی ساختاری زمانی رخ می دهد که اصول سازمان دهنده در دولت در شرایطی با یکدیگر تعارض پیدا کنند که هیچ کدام نتواند دیگری را نادیده بگیرد. (۳۰)

تهدیدات اجتماعی: تهدید اجتماعی را به راحتی نمی توان از تهدید سیاسی جدا کرد. در روابط بین دولت ها، تهدید خارجی مهم در سطح اجتماعی به حمله به هویت ملی مربوط می شود که در زمره ملاحظات سیاسی قرار می گیرد. مشکل اصلی تهدیدات اجتماعی از لحاظ امنیت ملی این است که اغلب در داخل کشور واقع شده اند و اساساً از داخل کشور تهدید می شوند. تهدید اجتماعی داخلی از نشانه های دول ضعیف است. (۳۱)

کاهش کمیت و کیفیت منابع تجدیدپذیر در کنار رشد جمعیت یک کشور به همراه دسترسی نابرابر به منابع به افزایش تهدیدات اجتماعی منجر می شود. تداوم چنین وضعیتی می تواند به بی ثباتی سیاسی، افزایش مهاجرت ها و در نتیجه کاهش بهره وری اقتصاد و کاهش ظرفیت تولیدی کشور منتهی شود و در صورت وجود دولتی ضعیف در جامعه تاثیرات اجتماعی آن به شکل منازعات قومی، کودتای نظامی، و تشدید منازعات ناشی از محرومیت جلوه گر خواهد شد. (۳۲)

تهدیدات اقتصادی: تهدید اقتصادی سخت ترین و پیچیده ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی است. در اقتصاد دولت تنها بازیگر نیست ولی اقتصاد ملی به خاطر ارتباط قوی با ایدئولوژی سازمان دهنده، بخشی از پایگاه مادی دولت است. با وجود این اگر نتوان وضعیت طبیعی امری را تعیین کرد و از اینکه چه چیزی دستیابی به آن را تسهیل می کند آگاه شد، مشکل می توان در اینکه چه چیزی تهدید اقتصادی است، تصمیم گرفت. در داخل نظام بازار، انواع تهدیدهای اقتصادی وجود دارند که نمی توان به طور معقول

آنها را به عنوان تهدید امنیت ملی دانست. عدم توانایی برای رقابت یا تطبیق خود با اوضاع، از خطرات این بازی است که ممکن است نه از تدابیر خارجیان بلکه عدم کارایی مسؤولان مدیریت امور اقتصاد ملی ناشی شود. بنابراین در داخل بخش اقتصادی، تهدیدات اقتصادی اغلب اوقات جزء امور عادی هستند و به راحتی نمی توان آنها را با منطق امنیت ملی مرتبط ساخت، اما وقتی عواقب تهدیدات اقتصادی به فراسوی ماوراء حوزه اقتصاد، مثلاً به امور نظامی و سیاسی گسترش یافت، آنگاه مسایل نسبتاً واضح تری از امنیت ملی بروز و ظهور می نمایند. (۳۳) در مفهوم جدید امنیت این عوامل صرفاً یک متغیر بیرونی موثر بر امنیت ملی نیست، امنیت اجتماعی بخشی از موضوع امنیت است که در آن امنیت افراد و گروهها در بستر اجتماع ضروری تلقی می شود.

رابطه بین قابلیت اقتصادی و نظامی بسیار شناخته شده است. قابلیت دولت در حوزه نظامی به توانایی تأمین کالاهای مهم استراتژیک و داشتن پایگاه صنعتی برای حمایت از نیروهای مسلح وابسته است. همچنین قدرت اقتصادی ارتباط مستقیمی با قدرت کلی دولت در عرضه بین المللی دارد. موضوع سوم تهدیدات اقتصادی ثبات داخلی است. اتخاذ استراتژی های اقتصادی خاص ممکن است به سطوح بالایی از اتکاء بیشتر به تجارت منجر شود. این گونه وابستگی اقتصادی ممکن است به هراس از اخاذی از سوی دولت های دیگر منجر شود. (۳۴)

تهدیدات زیست محیطی: تهدید زیست محیطی امنیت ملی، همانند تهدیدات نظامی و اقتصادی به پایگاه مادی دولت لطمه می زند و شاید تا جایی پیش رود که ایده دولت و نهادهای آن را تهدید کند. به صورت سنتی به تهدیدات زیست محیطی به گونه ای نگریسته می شد که گویا اتفاقی هستند، اما با افزایش شدید فعالیت های بشری و گسترش علم و دانش مشخص شد که محیط زیست دیگر عامل ثابت و بستری نیست. (۳۵)

رابطه تحولات زیست محیطی و امنیت را از چند منظر می توان مورد بررسی قرار داد. برخی دیدگاهها در مورد ارتباط این دو موضوع سنتی و برخی دیگر جدید است. در دیدگاه سنتی بر اهمیت منابع زیست محیطی استراتژیک بر بروز جنگها تأکید می شود؛ در دیدگاه جدید تأثیر مخرب فعالیت های انسانی بر محیط زیست مدنظر است. این دیدگاه از برداشت های دولت محورانه واقع گرایانه فاصله گرفته و از مسائل زیست محیطی مانند مواد معدنی استراتژیک و منابع طبیعی فراتر رفته، به مسایلی چون گرم شدن زمین اثر گلخانه ای، زوال لایه اوزون جو، رسوبات اسیدی، فرسایش خاک، نابودی جنگلها، کاهش ذخایر آبزیان و کمبود

آب شیرین، و بروز بیماری‌های فراگیر پرداخته‌اند. هدف دیدگاه جدید این است که مفهوم امنیت فراتر از دولت‌ها است و افراد، گروه‌ها، مناطق زیستی و کل جهان را دربرمی‌گیرد. به طور کلی رویکردهای زیست‌محیطی و امنیت به چهار دسته تقسیم می‌شود:

کمبود زیست‌محیطی به عنوان یکی از عوامل منازعه و بی‌ثباتی سیاسی: این اندیشه مطرح است که کمبود زیست‌محیطی به بروز رقابت و منازعه میان دولت‌ها کمک می‌کند. برخلاف برداشت‌های دولت‌محورانه که روی منافع تجدیدنپذیر تکیه می‌کنند، در نوشته‌های جدید بر روی کاهش ارتباط منابع تجدیدپذیر و بروز منازعه تکیه می‌شود. استدلال این است که رقابت بر سر منابع تجدیدپذیر می‌تواند به بروز منازعه کمک کند زیرا این منبع (۱) در برخی مناطق با کمبود فزاینده‌ای روبرو هستند؛ (۲) از اهمیتی حیاتی برای بقای انسان برخوردارند؛ (۳) از نظر فیزیکی قابل تصاحب و کنترل هستند. (۳۶)

تأثیر تخریب محیط زیست و منازعه بر امنیت دولت‌ها می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. به طور مستقیم تحولات زیست‌محیطی می‌تواند یک دولت را به سوی درگیری با دیگران برای تصاحب یا دستیابی به منابع کمیاب سوق دهد و به طور غیرمستقیم تخریب محیط زیست می‌تواند آثاری اجتماعی و سیاسی در برداشته باشد که به بروز منازعه بینجامد و به امنیت دولت‌ها لطمه بزند. (۳۷)

دومین رویکرد عمده به محیط‌زیست به عنوان یک مسأله امنیت به تخریب زیست‌محیطی و نهادهای نظامی مربوط می‌شود. این رویکرد روی تأثیر فعالیت‌های نظامی بر محیط زیست تأکید می‌کند. در اینجا سه استدلال عمده وجود دارد. نخست اینکه جنگ تأثیری نامطلوب بر محیط زیست دارد. دوم اینکه، سازمان‌های نظامی در زمان صلح (در حین آمادگی برای جنگ) تأثیری نامطلوب بر روی محیط زیست دارند، و سرانجام، ارتش می‌تواند تأثیر مثبتی روی محیط‌زیست بگذارد و در حل مسایل زیست‌محیطی - به ویژه مسایلی که ممکن است سبب بروز منازعه شوند - نقش داشته باشد. (۳۸)

رویکرد سوم بر سلامتی و رفاه انسان و به ویژه بر آلودگی محیط زیست و بیماری تأکید می‌کند. از نظر طرفداران این رویکرد بسیاری از انواع آلودگی‌ها بر روی سلامتی و رفاه انسان تأثیر می‌گذارد. آلودگی‌ها می‌توانند محلی و منطقه‌ای باشند یا فراگیر. همچنین این رویکرد به آلوده بودن محیط‌های نظامی و تأثیر آنها بر افراد فعال در این محیط‌ها تأکید دارد. در تأسیسات نظامی که دچار آلودگی جدی هستند، زندگی و کار افراد با خطر جدی روبرو است. در عین حال که بسیاری از آن مواد آلاینده به محیط وارد شده و نقاط دیگر به خصوص محیط‌های اطراف تأسیسات را نیز آلوده می‌سازند. بدین ترتیب افرادی که در نزدیکی

تأسیسات نظامی زندگی می کنند ممکن است در معرض خطر قرار گیرند. بروز خطرات زیست محیطی متأثر از موجودات ذره بینی بیماری زا سلامت و رفاه انسان را در معرض تهدید قرار می دهد که کشته های برخی از این بیماری ها بیشتر از تلفات جنگ جهانی اول بوده است. (۳۹) این استدلال حول امنیت فرد دور می زند و امنیت دولت در آن مطرح نیست. اما بدیهی است که اگر افراد نهادی از جمعیت یک کشور با مشکلات بهداشتی جدی روبرو شود این امر روی قدرت اقتصادی و نظامی آن تأثیر منفی می گذارد. (۴۰)

مفهوم امنیت زیست محیطی پرسش هایی را درباره معنای امنیت مطرح می سازد: چه کسی به امنیت دست می یابد؟ امنیت در مقابل چه کسی به دست می آید؟ چه کسی این امنیت را به وجود می آورد؟ هر یک از رویکردهای سه گانه فوق جواب های متفاوتی به این پرسش ها دارند. رویکرد نخست روی حفاظت از دولت در مقابل تهدید خشونت آمیز خارجی تأکید می کند. رویکرد دوم بر حفاظت از محیط زیست در مقابل فعالیت های نظامی و به طور وسیع تر به حفاظت از افراد در مقابل پیامدهای زیست محیطی زیان بار فعالیت های نظامی تأکید می کند. رویکرد سوم نیز روی حفاظت از افراد در مقابل خطرات ناشی از تحولات زیست محیطی تأکید دارد. (۴۱)

به رغم پرسش های بغرنجی که ارتباط امنیت و محیط زیست مطرح ساخته است و هر چند ممکن است امنیت زیست محیطی در مقایسه با تمهیدات نظامی کمتر نگران کننده باشد و توجه و منابع کمتری را به سوی خود جلب کرده باشد، ولی اندیشه مهم بودن محیط زیست کم کم جای خود را در دستور کار امنیتی دولت ها باز کرده و به یکی از موضوعات مطالعات علمی تبدیل شده است. (۴۲)

به طور کلی مجموعه تهدیدات نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی روی هم دستور کار ثابت برای امنیت ملی فراهم نمی آورد. تهدیدات نظامی هنوز هم در تفکر امنیتی دارای برتری نظری هستند و تا زمانی که سیاست بین المللی دارای نظام آنارشیک است، اهمیت حیاتی آنها تداوم خواهد داشت. اما در عمل و به خصوص برای کشورهای توسعه یافته میزان اهمیت آن در مقایسه با سایر تهدیدها در حال کاهش است.

همزمان با پیدایش حالت رکود در دستور کار نظامی امنیتی به دلیل سلاح های اتمی، تهدیدات اقتصادی و زیست محیطی به محور توجه تبدیل شده اند. گسترش ارتباطات و وابستگی متقابل اقتصادی وقایع اقتصادی و زیست محیطی توجهات بیشتری را به خود جلب کرده اند. (۴۳)

حملات تروریستی

در حال حاضر گروه دیگری از تهدیدات امنیتی در جهان شیوع دارد که نه در طیف تهدیدات سنتی نظامی جای می گیرد و نه در زمره تهدیدات غیرنظامی است. این تهدیدات که هم بعد نظامی دارد و هم در قالب اقدامات نظامی مرسوم دولت‌ها قرار ندارد به حملات یا اقدامات تروریستی معروف هستند و در قرن بیست یکم ابعاد وسیعتری به خود گرفته و گسترش زیادی یافته است. هر چند حملات تروریستی سابقه‌ای طولانی دارند و نگرانی از انجام حملات تروریستی با بهره‌گیری از سلاح‌های شیمیایی به اوایل قرن بیستم، سلاح‌های هسته‌ای به اواسط قرن بیستم و به خصوص پس از فروپاشی شوروی برمی‌گردد، اما تا سال ۱۹۹۵ توجه اندکی به حملات تروریستی بیولوژیکی و شیمیایی شده بود. حمله فرقه آئوم‌شینریکو (Aum Shinrikyo) به شبکه متروی شهر توکیو در سال ۱۹۹۵ با استفاده از گاز عامل اعصاب توجهات گسترده‌ای را به خطر حملات تروریستی جلب کرد؛ تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه شروع شد و سیاست‌گذاران برنامه‌ها و طرح‌هایی را برای مقابله با این نوع خطرات در دستور کار خود قرار دادند. (۴۴)

در دوران معاصر، کشورهای بسیاری تسلیحات کشتار جمعی تولید کرده‌اند، اما تعداد اندکی از این کشورها این سلاح‌ها را به کار بسته‌اند، همچنین تعداد محدودی از عوامل غیردولتی، اقدامات ناچیزی در زمینه جنگ‌افزارهای شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیکی انجام داده‌اند. قابلیت‌های فنی، انگیزه‌های روانی، دستاوردهای ناچیز، پیامدهای منفی زیاد عواملی هستند که عوامل غیردولتی و گروه‌های تروریستی را از انجام حملات تروریستی با استفاده از چنین سلاح‌هایی بازداشته است؛ اما شواهد رو به رشدی دال بر این حقیقت وجود دارد که موانع انگیزشی در زمینه کاربرد جنگ‌افزارهای کشتار جمعی توسط عوامل دولتی و غیردولتی در حال از بین رفتن است. (۴۵)

جنگ‌افزارهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی (NBC) به صورت بالقوه، در دسترس عوامل دولتی و غیردولتی است. اگر این سلاح‌ها علیه مراکز پرجمعیت به کار گرفته شود، تأثیرات بسیار وخیمی بر جای خواهد گذاشت. این نوع حملات جدا از تأثیرات فیزیکی اولیه دارای تأثیرات ثانویه‌ای هستند که بر شرایط روانی، ساختار اجتماعی، اقتصادی و نظام سیاسی یک جامعه وارد می‌آیند. سلاح‌های شیمیایی به صورت بالقوه در اختیار تعداد کثیری از گروه‌ها یا کشورها قرار دارند، اما این سلاح‌ها تلفات اندکی دارند. سلاح‌های بیولوژیکی نیز در دسترس بسیاری از کشورها و تعدادی از گروه‌ها قرار دارند و در صورت استفاده از آنها می‌توانند تلفات انسانی برابر با سلاح‌های هسته‌ای به بار بیاورند. سلاح‌های هسته‌ای در دسترس بسیاری

از کشورها و مقداری از گروه‌ها و عوامل غیردولتی که به مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر دسترسی دارند، قرار دارد. جنگ افزارهای NBC را می‌توان علیه اهداف و مواضع متنوع و متعددی به کار برد و دفاع در برابر این نوع حملات دشوار است. (۴۶)

حملات تروریستی جدید که جان بلیس و استیو اسمیت در کتاب "جهانی شدن سیاست" از آن با عنوان تروریسم پست مدرن (post-modern terrorism) نام برده‌اند، از چند جهت با اقدامات تروریستی سنتی تفاوت دارد. (۴۷) نخست، تروریسم جدید برخلاف سلف خود تروریسمی هویت پایه است تا منفعت محور. در تروریسم منفعت محور اقدامات آنها بر اساس محاسبات عقلانی ابزاری صورت می‌گیرد و این اقدامات به هدف خاصی معطوف است و با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگونی قابل تحقق است که یکی از آنها اقدامات تروریستی است. در این نوع اقدامات سود و زیان و هزینه و فایده مطرح است. در مطالعه تروریسم هویت محور به جای الگوی ابزاری، الگوی سازمانی تروریسم مد نظر قرار می‌گیرد. در این الگو ترور گرچه برای رسیدن به هدفی سازماندهی شده است، اما طریقت ندارد؛ آنچه مهم است حفظ سازمان می‌باشد که برپایه هویتی خاص بوجود آمده، عضوگیری کرده و حفظ آن نیز با تداوم ترور امکان‌پذیر است که به اعضای سازمان هویت بخشیده و آنها را از دیگران متمایز می‌سازد. اغلب گروه‌های تروریستی هویت محور در قالب خرده فرهنگ‌هایی شکل می‌گیرند که در مقابل فرهنگ غالب قرار دارند. (۴۸)

دوم، تروریسم جدید گرچه در برابر جهانی شدن و فرهنگ مسلط در آن شکل گرفته است و به نوعی در پی مقابله با آن می‌باشد، اما از تمام ابزارهای جدید این تمدن و به ویژه ابزارهای ناشی از جهانی شدن استفاده می‌کند و عملاً خود این تروریسم نیز جهانی است. تاکید بر سازماندهی شبکه‌ای، بهره‌گیری از شبکه‌های مختلف مالی، ارتباطی، و سازمانی فراملی و استفاده از ابزارهایی مانند اینترنت، ماهواره، خطوط هوایی، شبکه‌های بانکی و مالی الکترونیکی، نشان دهنده این ویژگی تروریسم جدید است که آنها صبغه جهانی دارند و کمتر در قالب‌های ملی می‌گنجد و نمی‌توان آنها را در قالب گروه‌های تروریستی زمین-پایه قرار داد که در قالب سرزمینی مشخص و با اهداف سرزمینی معین عمل می‌کردند.

ویژگی سوم تروریسم جدید به هدف راهبردی آن معطوف است. راهبرد گروه‌های تروریستی را می‌توان به دو گروه باج‌خواهی جمعی و تحریک و برانگیختن تقسیم کرد. هدف راهبردی تروریسم جدید از نوع تحریک است که از ویژگی نخست آنها ناشی می‌شود. از این جهت آنها به شدت در پی اقدامات نمایشی هستند و با اقدامات خود در سطح وسیع پوشش تصویری داده و در جهان پخش می‌کنند تا هم به ترساندن

_____ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

مخالفان و هم به هویت دادن به اعضا کمک کند. آنها به رسانه‌های گروهی توجه زیادی دارند و سعی دارند از اقدامات خود فیلم برداری کرده و آن را در سطح وسیع به نمایش بگذارند. تاثیرگذاری آنها بر روی دوست و دشمن به میزان پوشش خبری اقدام تروریستی بستگی دارد و از این جهت برخی معتقدند که رسانه برای تروریسم جدید همانند نیاز گیاه به خورشید است. (۴۹)

جدول بررسی مقایسه‌ای دو شیوه تروریسم متعارف و جدید (۵۰)

قربانیان	شیوه عمل	مشخصه اصلی	سازمان	هدف	
محدود، گزینش شده، سیاسی	باج‌گیری	آدم‌کشی، گروگان‌گیری، هواپیماربابی	سلسله‌مراتبی، ملی، دو پایه	منفعت‌جویی ابزاری	تروریسم متعارف
انبوه و فله‌ای، اکثریت خاموش	تحریک و برانگیختن	عملیات انتحاری	شبکه‌ای، تک پایه، جهانی	هویت‌یابی، احیای روانی سازمانی	تروریسم پست مدرن

گروه‌های تروریستی جدید برخلاف گروه‌های سلف خود چندان زیر چتر حمایتی دولت‌های ملی نیستند و در مواقعی که در پی برقراری روابط با آنها بر می‌آیند از موضع کهتر و مهتر به موضوع نگاه نمی‌کنند. آنها سعی دارند دست کم موضع سازمانی برابر را در پیش بگیرند. در حالیکه گروه‌های تروریستی سنتی چنین موقعیتی نداشتند و عموماً در چتر حمایتی دولت‌های ملی عمل می‌کردند.

تهدیدات دیجیتالی

تهدیدات دیجیتالی یکی دیگر از تهدیدات جدید است که از آن با عنوان تروریسم مجازی نیز یاد می‌شود. این نوع تهدیدات که چند سالی از عمر آنها نمی‌گذرد، اما به سرعت در حال گسترش است، اساساً از گسترش ارتباطات و فن آوری رایانه‌ای و اینترنتی ناشی می‌شود. تروریسم مجازی به دنبال ورود و گسترش شبکه‌های رایانه‌ای محلی و جهانی در اقتصاد و ابعاد گوناگون حیات اجتماعی، بروز یافته و ابعاد وسیعی به خود گرفته است. این نوع تهدیدات به صورت‌های گوناگون و بیروس‌های رایانه‌ای، کرم‌های برنامه نویسی، ایجاد اختلال در شبکه‌های محلی و جهانی، سرقت‌های رایانه‌ای و... ظهور یافته و جلوه گر

می‌شوند. حملات گسترده به تارنماهای اینترنتی وزارت دفاع آمریکا، حملات متقابل وسیع به سایت‌های دانمارک و کشورهای مسلمان از جمله چندین سایت سازمان‌های معروف ایرانی مثل سایت بانک پارسیان و بانک رفاه و خبرگزاری‌های ایرانی و همچنین حملات متعدد آمریکاییان و چینی‌ها به سایت‌های یکدیگر نشان دهنده تقابل و منازعه در عرصه‌ای جدید است که با تهدیدات و شیوه‌های متفاوت صورت می‌گیرد که در مطالعات امنیتی سنتی جایی ندارند. واژه‌های زیادی مثل جنگ اطلاعاتی (infowar)، جنگ شبکه‌ای (netwar)، حملات مجازی (cyber attack)، جنگ مجازی (virtual war)، تروریسم دیجیتالی (digital terrorism)، و جنگ رایانه‌ای (computer warfare) نشان دهنده جدی بودن این نوع تهدیدات و سرعت بالای ورود این مفاهیم به حوزه مطالعات امنیتی است. ویژگی اصلی جوامع بشری امروزی آمیختگی کنش‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی این جوامع با فناوری، اطلاعات و ارتباطات (فاوا) است. این آمیختگی به راحتی به وابستگی جوامع به این پدیده جدید انجامیده است. همین وابستگی به نقطه ضعف و آسیب‌پذیری آنها منجر شده است که از آن به عنوان پاشنه آشیل یا چشم اسفندیار جامع بشری امروزی یاد می‌شود. (۵۱)

امنیت و تهدیدات امنیتی مبتنی بر فناوری رایانه‌ای تحولات قابل توجهی را در عرصه امنیت بوجود آورده است. انسان‌های گمنام به صورت فردی در عصر جدید به چنان قدرتی دست یافته‌اند که به تنهای توانایی اعمال قدرت و تهدید در پهنای جهانی را دارند. در چنین وضعیتی افراد به معنای واقعی و بی‌واسطه به بازیگران عرصه جهانی تبدیل شده‌اند. تداوم این روند می‌تواند به تحول در مفهوم و منبع اعمال قدرت در جهان منجر شود و آن را از حالت متمرکز در انحصار دولت‌ها درآورده به قدرت پراکنده و شبکه‌ای تبدیل کند. (۵۲) این نوع تاثیرگذاری که افراد زیادی در مورد آن اجماع نظر دارند، از منظر دیگری نیز قابل توجه است که می‌توان آن را در افزایش جایگاه فرد در سرنوشت فردی و جمعی خود در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی تلقی کرد که نه تنها در قلمرو داخلی بوجود آمده بلکه حالت جهانی نیز یافته است. موضوعی که عملاً ارتباط تنگاتنگی با گسترش دموکراسی دارد که در بحث مربوطه به آن اشاره خواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت به طور سنتی تهدید امنیت ملی تنها از طریق تهدید نظامی صورت می‌گیرد. تهدیدات نظامی مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است. اما اکنون دایره تهدیدات امنیت ملی بسیار گسترش یافته است. باری بوزان از اعضای مؤثر مکتب کپنهاک برای تهدیدات ملی پنج بعد متفاوت در نظر می‌گیرد: تهدید نظامی، تهدید سیاسی، تهدید اجتماعی، تهدید اقتصادی و تهدید زیست‌محیطی. معمولاً

در تهدید نظامی اقدام می‌تواند همه اجزاء دولت را تهدید کند؛ پایه مادی دولت تحت فشار قرار می‌گیرد و امکان دارد خسارات زیادی به بار بیاورد؛ چون استفاده از زور می‌تواند تحولات نامطلوبی را به دنبال داشته باشد، معمولاً تهدیدات نظامی در برنامه‌های امنیت ملی از بالاترین اولویت برخوردارند. (۵۳) اما در نگرش‌های جدید، امنیت صرفاً به بعد نظامی محدود نمی‌شود و به ابعاد دیگر آن نیز توجه می‌گردد. تهدیدهای جدید ممکن است تا جایی پیش روند که ایده و ضرورت وجودی دولت و نهادهای آن را تهدید کنند. به صورت سنتی به تهدیدات زیست‌محیطی و اقتصادی به گونه‌ای نگریسته می‌شد که گویا اتفاقی هستند، اما با افزایش شدید فعالیت‌های بشری و گسترش علم و دانش مشخص شد که محیط زیست دیگر عامل ثابت و بستری نیست؛ دولت‌ها در جلوگیری از این نوع تهدیدها می‌توانند نقش اساسی داشته باشند.

همانگونه که بررسی شد، طرح این گونه تهدیدها بیشتر در آگاهی انسان‌ها از این خطرات بر محیط و زندگی خود ریشه دارد که در قالب نظریه‌های جدید مطالعات امنیتی مطرح شده‌اند. آن چیزی که در برجسته شدن این نوع تهدیدها نقش دارد، جدا از تشدید خود خطرات، برداشت مردمان جهان از این نوع خطرات است که توسط سازمان‌ها و گروه‌های غیردولتی یا دولت‌های دموکراتیک تحت تاثیر افکار و اندیشه‌های نوع دوستانه، طرح، تبلیغ، و در محور فعالیت‌های سازمانها قرار گرفته و با فشار آنها به کنوانسیون‌های بین‌المللی و سیاست‌های دولت‌ها تبدیل می‌شود. بررسی‌های به عمل آمده در مورد جنبش‌های اجتماعی در جهان نشان می‌دهد که بین جوامع دموکرات و جنبش‌های زیست‌محیطی رابطه مستقیم وجود دارد. هر چقدر دموکراسی عمیق‌تر است توجه به مسایل زیست‌محیطی بیشتر می‌باشد. به نظر می‌آید دموکراسی بستر مناسبی برای طرح و ادراک تهدیدهای جدید است. از این جهت تهدیدهای جدید به ویژه تهدیدهای زیست‌محیطی، سیاسی و اجتماعی بیشتر متأثر از بسط و گسترش دموکراسی در جهان مطرح می‌شوند.

تهدیدات تروریستی هم از چند منظر با گسترش دموکراسی در جهان ارتباط دارند. نخست، دست کم در مورد خاورمیانه معلوم شده است که دولت‌های استبدادی (فقدان دموکراسی) در رشد و شکل‌گیری نیروهای تروریستی نقش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. دوم، دموکراسی‌ها بیشتر از حکومت‌های استبدادی در معرض خطر حملات تروریستی قرار دارند. همانگونه نشان داده شد بیشتر حملات در سال‌های گذشته در داخل جوامع دموکرات بود یا اهدافی بودند که به آنها مربوط می‌شد. سوم نظام‌های دموکرات بیش از جوامع استبدادی این نوع خطرات را مطرح ساخته و به ادبیات مطالعات امنیتی وارد می‌کنند. بنابراین هرچند

تهدیدات تروریستی در تحول مفهوم امنیت جهانی موثر بودند ولی در بروز این نوع تهدید و گسترش ادبیات آن اندیشه دموکراسی نقش غیرقابل انکاری دارد.

امنیت و تهدیدات امنیتی مبتنی بر فناوری رایانه‌ای تحولات قابل توجهی را در عرصه امنیت بوجود آورده است که با اندیشه فردگرایی لیبرالیسم پیوند دقیق دارد. با ظهور فن‌آوریهای جدید انسان‌های گمنام به صورت فردی به چنان قدرتی دست یافته‌اند که به تنهایی توانایی اعمال قدرت و تهدید در پهنای جهانی را دارند. در چنین وضعیتی افراد به معنای واقعی و بی‌واسطه به بازیگران عرصه جهانی تبدیل شده‌اند. تداوم این روند می‌تواند به تحول در مفهوم و منبع اعمال قدرت در جهان منجر شود و آن را از حالت متمرکز در انحصار دولت‌ها در آورده به قدرت پراکنده و شبکه‌ای تبدیل کند. (۵۴) این نوع تاثیرگذاری که افراد زیادی در مورد آن اجماع نظر دارند، از منظر دیگری نیز قابل توجه است که می‌توان آن را در افزایش جایگاه فرد در سرنوشت فردی و جمعی خود در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی تلقی کرد که نه تنها در قلمرو داخلی بوجود آمده بلکه حالت جهانی نیز یافته است. موضوعی که عملاً ارتباط تنگاتنگی با گسترش دموکراسی دارد و می‌توان آن را در تعامل با دموکراسی دید.

پ. گسترش سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌های کشتار جمعی که به جنگ افزارهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی (NBC) اطلاق می‌شود، جدا از شکل اولیه که از قدیم الایام بوده، جنگ افزاری جدید محسوب می‌شوند. از پیدایش سلاح هسته‌ای حدود ۶۰ سال می‌گذرد. سلاح میکروبی عمری طولانی دارد ولی در طول تاریخ هرگز به شکل کنونی به صورت آگاهانه تولید، و انبار نشده بود. تولید انواع سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و سلاح‌های پیشرفته و مخرب هسته‌ای تاثیرات زیادی در امنیت ملی و مطالعات راهبردی کشورها به خصوص در دوره جنگ سرد داشت. آنها راهبردهای نظامی ابرقدرت‌ها را به شدت متحول کرده و جهان را در وضعیت بی‌سابقه‌ای قرار دادند. موازنه وحشت، جنگ هسته‌ای، بازدارندگی هسته‌ای، انهدام متقابل، و به طور کلی جنگ سرد مفاهیمی بودند که به شدت تحت تاثیر پیدایش سلاح‌های اتمی بوجود آمدند. اما تحولی که در سال‌های اخیر بوجود آمده است ابعاد جدیدی دارد که ممکن است تحولات قبلی را نیز تحت تاثیر قرار دهد و آن امکان گسترش این نوع سلاح‌ها و دسترسی بازیگران غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی است.

ساخت یا سرقت یک سلاح کشتار جمعی اقدامی است دشوار، پیچیده، خطرناک و اغلب پرهزینه، اما

_____ بازگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

مقتضیات فنی تولید جنگ افزارهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی تثبیت شده و مشخص است و هیچ گاه دشوارتر از آنچه که امروز است، نخواهد بود. با گذشت زمان تولید انواع نه چندان پیشرفته از جنگ افزارهای NBC ساده تر می‌شود؛ زیرا مواد تجهیزات و تخصص‌های لازم برای ساخت موفقیت آمیز این سلاح‌ها به آسانی و به وفور در دسترس عوامل دولتی و غیردولتی قرار گرفته است. (۵۵) در تمامی جوامع معاصر توانمندی پنهان عوامل غیردولتی در زمینه غلبه بر چالش‌های مرتبط با انجام حملات NBC در حال افزایش است. این افزایش تدریجی توانمندی‌های بالقوه NBC تا حدودی محصول فرعی پیشرفت‌های اقتصادی، آموزشی و صنعتی است و احتمالاً موانع فنی موجود در راه ساخت این سلاح‌ها در حال کاهش می‌باشد. علاوه بر این در بسیاری از جوامع معاصر، به خصوص جوامعی که قدم به عصر اطلاعات گذارده‌اند، به واسطه رشد فزاینده کارایی، پیچیدگی، و گستره جغرافیایی فعالیت‌های عوامل غیردولتی، خواه فعالیت‌های قانونی و خواه دخالت‌های غیرقانونی، زیر نظرگیری فعالیت‌های تهدیدآمیز و مبارزه با آنها از توان دولت خارج است. (۵۶)

نویسندگان کتاب پاشنه آشیل آمریکا با مروری بر اقدامات کشورها برای دستیابی به جنگ افزارهای NBC و به کارگیری آنها موارد زیر را یادآور می‌شوند:

در قرن بیستم، چندین و چند کشور در صدد دستیابی به جنگ افزارهای NBC بوده‌اند و اکثرشان نیز موفق شده‌اند.

کشورهای دارنده جنگ افزارهای NBC بارها به صورت تلویحی و آشکار تهدید کرده‌اند که در صورت مواجهه با چالش‌های گسترده، از این سلاح‌ها علیه دشمنان استفاده خواهند کرد.

از سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌های متعدد استفاده شده است. از سلاح‌های بیولوژیکی استفاده‌ای نشده و از سلاح‌های هسته‌ای تنها دوبار و آن هم علیه ژاپن و از سوی آمریکا استفاده شده است.

بعد از جنگ جهانی دوم، هیچ گونه مدرک مستدلی در زمینه تلاش یک کشور برای استفاده تروریستی از جنگ ابزارهای NBC علیه کشوری دیگر وجود نداشته است.

شواهدی دال بر حمایت یک کشور از گروه تروریستی برای ساخت و یا دستیابی به آنها وجود ندارد. (۵۷)

سلاح‌های هسته‌ای و امنیت بین‌المللی

سلاح‌های کشتار جمعی به دلیل آثار مخربی که دارند، برخورداری، استفاده، و یا تهدید به استفاده از

آنها تاثیر قابل توجهی بر امنیت ملی دارد اما لزوماً وجود آنها به معنای افزایش ضریب امنیت یک کشور و یا امنیت بین المللی نیست. سلاح های کشتار جمعی توان نظامی کشور دارنده این سلاح ها را افزایش می دهد و در صورت برخورداری انحصاری از این سلاح ها قدرت نظامی آن می تواند به مرحله افسانه ای برخورداری از سلاح بلامنزاعه برسد و در صورت وجود اراده استفاده از آن همه را به تسلیم وادار نماید. اما موضوع این است که چنین وحشتی از سلاح های کشتار جمعی کشورهای دیگر را به جلوگیری از بروز چنین وضعیتی وادار کرده است و عملاً تلاش برای دستیابی به این سلاح ها به بروز تهدیدات از سوی کشورهای دیگر منجر می شود و امنیت آن کشور را پیش از پیش به خطر می اندازد. البته بین کشورهای دارنده سلاح های هسته ای اولیه و کشورهای فاقد آن که اکنون در پی چنین سلاح های هستند تفاوت وجود دارد. (۵۸)

بعد دیگر رابطه سلاح های کشتار جمعی و امنیت بین المللی که اکنون در حال گسترش است و احتمال دارد ابعاد خطرناک تری نیز بیابد تلاش گروه ها و سازمان های غیر دولتی برای دستیابی به این سلاح ها است. هر چند دستیابی آنها به سلاح های هسته ای راهبردی اکنون غیرممکن به نظر می آید، اما در مورد سلاح های میکروبی، سلاح های شیمیایی و بمب های کیفی و حتی بمب های تاکتیکی اتمی این امکان وجود دارد و تحقق آن می تواند وحشتی گسترده در میان مردمان جهان و دولت ها بوجود بیاورد که به هیچ عنوان با تهدیدات سنتی قابل قیاس نیست. در این حالت عملاً سلاح های غیرمتعارف در اختیار بازیگران غیرمتعارف قرار می گیرد که با چهارچوب های متعارف نمی خواند. (۵۹)

کشورهای دارنده سلاح های کشتار جمعی

دارندگان سلاح های کشتار جمعی را می توان به چند گروه تقسیم کرد. گروه نخست کشورهایی هستند که در حال حاضر به داشتن این سلاح ها رسماً اعتراف کرده اند. چین، روسیه، فرانسه، انگلستان، آمریکا و اخیراً هند و پاکستان و کره شمالی به داشتن سلاح های هسته ای معترفند. آنها در مورد سلاح های بیولوژیکی سکوت می کنند؛ و در مورد سلاح های شیمیایی سه کشور هند، آمریکا و روسیه بر اساس کنوانسیون سلاح های شیمیایی متعهد به برچیدن این سلاح ها شده اند. گروه دوم کشورهایی هستند که احتمال می رود دارای چنین سلاح های باشند. اسرائیل در مورد سلاح هسته ای؛ کشورهای چین، مصر، اسرائیل، کره شمالی، روسیه، کره جنوبی، سوریه، ویتنام، تایوان، ایران و عراق دوره صدام در مورد سلاح های بیولوژیکی؛ و کشورهای چین، کوبا، مصر، ایران، عراق دوره صدام، اسرائیل، لیبی، میانمار، کره

شمالی، روسیه، پاکستان، تایوان، یمن، یوگسلاوی سابق در مورد سلاح‌های شیمیایی این احتمال وجود دارد. در حال حاضر از کشورهای که احتمال می‌رفت در تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی بودند، پرونده عراق با نابودی رژیم صدام حسین بسته شده است. دولت لیبی با فشار بین‌المللی آن را کنار گذاشته است و پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی در حال حاضر پر مساله‌ترین‌های این حوزه هستند. البته کشورهای متعدد زیادی نیز بودند که اقدامات خود را در این زمینه متوقف ساخته‌اند که برای نمونه می‌توان به کشورهای افریقای جنوبی، آرژانتین، قزاقستان، برزیل، کانادا، اوکراین و در مورد سلاح‌های بیولوژیکی کشورهای کانادا، آمریکا، انگلستان و در مورد سلاح‌های شیمیایی کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و انگلستان اشاره کرد. (۶۰)

توان تخریب سلاح‌های کشتار جمعی

توان تخریب بالای سلاح‌های کشتار جمعی به ویژه سلاح‌های هسته‌ای یکی از ویژگی‌های اساسی این نوع سلاح‌ها است که آنها را از سلاح‌های متعارف جدا می‌سازد. در عمل از سلاح‌های هسته‌ای تنها دو بار استفاده شده است و هر دو بار نیز توسط آمریکا علیه ژاپن بوده است. استفاده از این نوع سلاح که هنوز از نوع اولیه این سلاح‌ها بود چنان وحشتی در میان مردمان جهان و دولتمردان ایجاد کرده است که تاکنون کسی جرات استفاده مجدد از آن را نیافته است. با این حال انواع جدید سلاح‌های هسته‌ای بسیار مخرب‌تر از انواع اولیه آن است و استفاده از آنها در سطح وسیع می‌تواند به نابودی کل جهان و تمدن بشری بینجامد. از این جهت تدابیر گسترده‌ای در چند دهه گذشته برای جلوگیری از بروز جنگ هسته‌ای صورت گرفته و تلاش بشر کنونی بیش از استفاده از این سلاح‌ها جلوگیری از استفاده از آنها بوده است. (۶۱) در این مدت دولت‌ها یاد گرفته‌اند که علیرغم موثر بودن برخورداری این سلاح‌ها در افزایش توان نظامی کشورها آنها به دلیل ویرانگری غیرقابل تحمل هزینه بسیار بالایی دارند و عملاً جنگ را از ابزار سیاست در عرصه بین‌المللی و روابط کشورها بیرون آورده است. (۶۲) در این حوزه جنگ ادامه سیاست نیست. نتیجه جنگ ویرانی هر دو طرف و احتمالاً تمام تمدن بشری است. جنگ نه ابزار رسیدن به هدف بلکه موجب نابودی دوست و دشمن با یکدیگر است. با وجود این سلاح‌های هسته‌ای همچنان از جذابیت بالایی برای برخی دولت‌مردان دارد؛ ولی تغییر چندانی در مفهوم امنیت، شیوه‌های برقراری و مرجع امنیت ایجاد نمی‌کند.

نحوه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی

در طی سال‌های گذشته چند تغییر اساسی در عرصه بین‌المللی در خصوص سلاح‌های هسته‌ای به وجود آمده است. این تغییرات را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: (۶۳) نخست، ایالات متحده و روسیه در یک فرایند پیچیده متعهد شده‌اند که از سلاح‌های هسته‌ای مستقر خود بکاهند و این کار را به مقداری انجام داده‌اند و همچنان به آن پایبند هستند. دولت بوش نیز هر چند در قبال تعهدات فوق سکوت کرده است، اما به آن پایبند می‌باشد. دوم، ایالات متحده به طور فزاینده بررسی‌هایی را در مورد استفاده از سلاح‌های هسته‌ای انجام می‌دهد. در دولت کلینتون این بررسی‌ها به آنجا منتهی شد که دولت اعلام کرد در پاسخ هرگونه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی علیه آمریکا از سلاح‌های هسته‌ای استفاده می‌کند. دولت بوش این دیدگاه را به شکل صریح‌تری بیان می‌کند. او اعلام کرده است که برای جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در صورت نیاز از سلاح هسته‌ای هم استفاده خواهد کرد. سوم، هند و پاکستان در رقابت با یکدیگر به سلاح‌های هسته‌ای دست یافتند. منازعه کشمیر همچنان تداوم دارد و عملاً نوعی رقابت تسلیحاتی میان آنها به شدت در جریان است که ممکن است به بی‌ثباتی شدید در منطقه منجر شود. بالاخره، جنگ با عراق نحوه رفتار دولت‌های ایران و کره شمالی را در مورد تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را تغییر داد. آنها با استفاده از وضعیت به وجود آمده در عراق تلاش‌های خود را افزایش دادند. در بهترین سناریو آمریکا به سیاست منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی می‌پیوندد و از طریق مذاکره دو کشور فوق را به قبول تعهدات NPT وادار می‌سازد. در بدترین سناریو به اقدام نظامی علیه آنها اقدام می‌کند که به منازعات جدید دامن می‌زند. (۶۴)

در مجموع در سال‌های اخیر تهدیدهای ناشی از سلاح‌های کشتار جمعی در مقایسه با سال‌های پس از جنگ جهانی دوم کاهش چشم‌گیری داشته است. اقدامات بین‌المللی برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در قالب انعقاد قراردادهای مختلف مثل قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، معاهده منع جامع آزمایشات (CTBT)، معاهده کنترل تسلیحات در بستر دریا، کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیکی (BWC)، و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (CWC) (۶۵) موثر افتاده و تا حدود زیادی موجب دست کشیدن کشورها از اقدامات خود در زمینه تلاش برای رسیدن به سلاح‌های کشتار جمعی شده است. در همین حال افکار عمومی جهان در همه سطوح نسبت به چنین سلاح‌هایی و استفاده از آنها نگاه منفی یافته است. (۶۶)

ابزارهای پرتاب سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌های کشتار جمعی بدون ابزارهای پرتاب آنها کارآیی چندانی ندارند. ابزارهای پرتاب در افزایش تاثیرگذاری تهدید نقش اساسی دارند. بدون وجود ابزارهای پرتاب سلاح‌های کشتار جمعی به هدف نمی‌رسند. ابزارهای پرتاب می‌تواند هواپیما، موشک‌های بالستیک و کروز با بردهای متفاوت باشد. همچنین خود این ابزارها می‌توانند در زمین، دریا، جو و یا ماورای جو مستقر باشند، متحرک و ثابت باشند. هر کدام از این ویژگی‌ها توانایی متفاوتی را به دارندگان آنها می‌دهد.

نخستین موشک قاره پیما از سوی شوروی به سال ۱۹۵۷ آزمایش شد. پس از آن مسابقه گسترده‌ای میان قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به پرتابگرها توانمند آغاز شد. آنها انواع موشک‌های پیشرفته را برای افزایش توانایی نظامی و در نتیجه افزایش اعتبار تهدیدهای خود در زدن ضربه موثر به دشمن تولید کردند. کلاهک‌های اتمی بر روی آنها سوار شدند و آنها برای پرتاب در جاهای امن متحرک و ثابت مستقر گردیدند. نقطه اوج این مسابقه تسلیحاتی را می‌توان در طرح دفاع موشکی استراتژیک یا جنگ ستارگان ریگان مشاهده کرد که عملاً به برتری آمریکا منجر شد. (۶۷)

پس از فروپاشی شوروی و گسترش جنگ‌های منطقه‌ای کشورهای جهان سوم نیز به داشتن توان موشکی ابراز علاقه کرده و اقداماتی را برای دستیابی به چنین توانی در پیش گرفتند. کره شمالی بیرون از پنج قدرت دارنده سلاح‌های اتمی تمایل بیشتری از خود نشان و توانست با حمایت شوروی و بعداً روسیه به فناوری تولید موشک‌های دوربرد بالستیک دست یابد. هند و پاکستان دو کشور دیگر بودند که در تداوم رقابت تسلیحاتی سنتی خود با یکدیگر و نیاز به داشتن پرتابگر قدرتمند برای سلاح‌های هسته‌ای خود به دنبال چنین سلاح‌هایی رفته و به آن دست یافتند. عراق و ایران نیز متاثر از نیازها و کاربردهای موثر موشک در دوران جنگ هشت ساله به دنبال فناوری ساخت این نوع سلاح‌ها رفتند. عراق در نتیجه مسایلی که در دو دهه اخیر برایش پیش آمد وضعیت دیگری یافت و ایران نیز به خاطر دو قطعه‌نامه اخیر شورای امنیت در خطر چنان تهدیدی است.

در مجموع می‌توان بیان کرد سلاح‌های کشتار جمعی و به خصوص سلاح‌های اتمی نقش محوری در مطالعات و مباحث امنیتی نیم قرن اخیر دارند. آنها محور تحولات راهبردی در سال‌های گذشته بودند و به جرات می‌توان گفت که بیشترین ادبیات را در مطالعات امنیتی تولید کردند. اما تحولی که در سال‌های اخیر بوجود آمده است و ابعاد جدیدی به این نوع سلاح‌ها داده است که ممکن است حتی تحولات قبلی

را نیز تحت تاثیر قرار دهد، امکان گسترش این نوع سلاحها در جهان و دسترسی بازیگران غیردولتی به سلاحهای کشتار جمعی است. این تحول تهدید بزرگی را پیش روی جوامع بشری قرار داده است و موضوع مباحث زیادی در جهان است. اما در کل این تحول بیشتر در حوزه نگاه سنتی به تهدیدهای امنیتی است و از حلقه تهدیدات نظامی خارج نمی شود. با وجود این همانگونه که تشریح شد گسترش این نوع سلاحها در جهان موضوع امنیت را به شدت برای همه مردم حساس کرده و عملا به گسترش ناامنی در جهان دامن زده است. در صورت دستیابی گروه های تروریستی به سلاح های کشتار جمعی نوع این تهدیدات با تهدیدهای سنتی قابل قیاس نیست و بنابراین شناخت، تحلیل، سیاستگذاری و مقابله با آنها نیازمند چهارچوب های جدید است که با چهارچوب های سنتی کاملا تفاوت دارد. این تحول بیشتر در حوزه نظامی بوجود آمده است و مفهوم تهدید را از دولت های ملی به سوی بازیگران جدید غیر دولتی نیز جلب نموده است. با وجود این تحولات حوزه های دیگر امنیت را نمی تواند توضیح دهد. البته باید توجه داشت که روند تلاش دولت ها برای دستیابی به سلاح های هسته ای در سال های اخیر کاهش یافته است که در صورت تداوم می تواند به کاهش مباحث این حوزه و تاثیرات آن در امنیت بین المللی و در نتیجه تحول مفهوم امنیت بین المللی بینجامد.

به طور خلاصه، در چند دهه اخیر و به مرور زمان، با افول موقعیت جنگ به عنوان ابزار سیاسی در مناسبات کشورها در عرصه بین المللی، افزایش سود اقتصادی صلح و پیدایش وابستگی متقابل میان کشورها، رشد نظام های مردم سالار در جهان و حرکت به سوی صلح دموکراتیک در دوره جنگ سرد پایه های نظری و عینی واقع گرایی سست شد (۶۸) و موقعیت نظریه های لیبرالی بهبود یافت و در حوزه مورد بحث این نوشته مطالعات راهبردی به سوی مطالعات امنیتی که ابعاد وسیع تری یافته بود سوق یافتند؛ ابعاد جدیدی برای امنیت و تهدیدهای امنیتی طرح شد؛ مکتب کپنهاک امنیت را نه در قالب رویکرد نظامی و راهبردی بلکه در قالب مباحث امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی، امنیت اجتماعی و انسانی طرح کرد. امنیت و تهدیدهای امنیتی دیگر به تهدیدهای نظامی محدود نمی شد، اما دولت همچنان مرجع و کارگزار امنیت محسوب می شد. (۶۹) شرکت های چند ملیتی در حوزه امنیت به مفهوم خاص از نفوذ اندک و غیرمستقیمی برخوردارند و دولت ها به رغم همه محدودیت ها همچنان موقعیت ممتازی در این حوزه دارند. گروه های تروریستی در امنیت بین الملل نقش تخریبی و سلبی دارند و نقش آنها بیشتر در دگرگونی مفهوم امنیت، چگونگی تهدیدات امنیتی است. با وجود این، همه این تحولات به دگرگونی مفهوم امنیت در ابعاد

_____ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی ◇

مختلف کمک کرده اند و هر کدام در حوزه‌ای و به نحوی موثر بودند که به آنها اشاره شد، اما تاثیر اصلی و نسبتا همه جانبه از آن تحولات در عرصه حیات سیاسی از نظام‌های سنتی و استبدادی به سوی نظام‌های دموکراتیک، از مردم مطیع و فرمانبر به مردم صاحب حق و تعیین کننده سرنوشت و حاکمیت است که خود نیازمند بحث و مقاله جداگانه‌ای می باشد.



یادداشت ها

۱- ر.ک. هانس جی مورگنتا، *سیاست میان ملت ها: تلاش برای قدرت و صلح*، ترجمه حمیرا مشیرزاده (تهران: وزارت خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۴۳.

۲ - کارل دویچ و دیگران، *نظریه های روابط بین الملل*، جلد دوم، ترجمه و تدوین وحید بزرگی (تهران: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۳۰.

3- Chadwick F. Alger, "*The Multinational Corporation and the Future International System*", Annals of the American Academy of Political and Social Science, Vol. 403, The Multinational Corporation (Sep. 1972), P.104.

4- "*Multinational Corporations*", [1386/6/26]. Available at: <http://www.econ.iastate.edu/classes/econ355/choi/mnc.htm>

5- Sarah Anderson and John Cavanagh, "*The Rise of Corporate Global Power*" (December 4, 2000), [1386/6/25]. Available at: http://www.ips-dc.org/downloads/Top_200.pdf

6- International Labour Office: Bureau for Worker's Activities; "*Multinational Corporations*", (1997), [1386/6/25], Available at: <http://www.itcilo.it/actrav/actrav-english/telearn/global/ilo/multinat/multinat.htm>

۷- در این مورد به مقاله زیر مراجعه شود:

Anup Shah, "*Evasion of Tax and Other Responsibilities*" (September 14, 2005); [1386/5/25]. Available at: <http://www.globalissues.org/TradeRelated/Corporations/Evasion.asp>

۸ - ر.ک. همایون الهی، *دیکتاتوری کارتل ها* (تهران: نشر قومس ۱۳۷۵).

۹- دویچ، *پیشین*، ص ۱۰۳۹-۱۰۳۸.

۱۰- در مورد انواع سازمان های دولتی و غیردولتی و طبقه بندی آنها به گروه های مختلف به آدرس

تارنمای زیر مراجعه شود:

http://en.wikipedia.org/wiki/Category:International_nongovernmental_organizations

◇ بازرگان، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی

11-Thomas Risse, *Transnational Actors and World Politics*, in Thomas Risse and Beth A. Simmons (eds), *Handbook of International Relations* (London: Sage, 2005), P. 259.

12- *Ibid*, P. 259-262.

13- Christof Galli, “*NGO Research Guide*”, (October 11, 2007). [1386/7/25]. Available at: http://library.duke.edu/research/subject/guides/ngo_guide/

۱۴- در مورد حوزه فعالیت سازمان های بین المللی و آدرس تارنمای مهمترین سازمان ها به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.politicalresources.net/int2.htm>

۱۵- در مورد نگاه سنتی و جدید به امنیت ر.ک. تریف و دیگران، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه علی رضا طیب و وحید بزرگی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳).

۱۶- ر.ک. باری بوزان، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸).

17- Peter Willetts, “*Transnational Actors and International Organizations in Global Politics*”, J. B. Baylis and S. Smith (eds.) in *The Globalization of World Politics* (Oxford and New York: Oxford University Press, second edition, 2001), PP. 356-383.

18-Peter Katzenstein, “*Introduction: Alternative Perspectives on National Security*”, in Peter J. Katzenstein (ed), *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics* (New York: Columbia University Press, 2002), P.13.

19- Beth A. Simmons and Lisa L. Martin “*International Organization and Institutions*” in Walter Carlsnaes; Thomas Risse and Beth A. Simmons (eds), *Handbook of International Relation*. (London: Sage ,2005), P. 203.

20- See, Roland Dannreuther, *International Security: The Contemporary*

◇ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی

Agenda (Cambridge: Polity Press, 2007), Ch. 2&3.

21- Srilatha Batliwala, “*Grassroots Movements as Transnational Actors: Implications for Global Civil Society*” in International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations, Vol. 13, No. 4, (December 20 2002), PP. 397-410.

22-Roland Dannreuther, International Security: *The Contemporary Agenda* (Cambridge: Polity Press, 2007), P.165-185.

۲۳- در این مورد به منابع زیر مراجعه شود:

Ole R. Holsti, *Public Opinion and American Foreign Policy*, Revised Edition (Ann Arbor: University of Michigan Press, 2004).

۲۴- دویچ، *پیشین*، ص ۱۰۳۹-۱۰۳۸.

۲۵- ر.ک. بوزان، *پیشین*.

26- Peter Willetts, “*Transnational Actors and International Organizations in Global Politics*”, J. B. Baylis and S. Smith (eds.), in The Globalization of World Politics, (Oxford and New York: Oxford University Press, second edition, 2001), PP. 356-383.

27- Beth A. Simmons and Lisa L. Martin; “*International Organization and Institutions*” in Walter Carlsnaes; Thomas Risse and Beth A. Simmons (eds), Handbook of International Relations (London: Sage, 2005), P. 203.

۲۸- بوزان، *پیشین*، ص ۱۴۱.

۲۹- همان، ص ۴۳.

۳۰- همان، ص ۱۴۵.

31- Mohammad Ayoob, *The Third World Security Predicament: State Making Regional Conflict, and the International System* (Boulder Co: Lynne Renner, 1995), P. 30.

32- Dannr Euther, *Op. Cit.* P. 70.

۳۳- بوزان، *پیشین*، ص ۱۵۱ - ۱۴۸.

۳۴- همان، ص ۳-۱۵۱.

۳۵- همان، صص ۷-۱۵۶.

۳۶- تریف و دیگران، *پیشین*، صص ۶-۲۳۵.

۳۷- همان، ص ۲۳۸.

۳۸- تریف و دیگران، *پیشین*، صص ۱- ۲۵۰.

۳۹- همان، صص ۴-۲۶۳.

۴۰- همان، ص ۲۶۵.

۴۱- همان، ص ۲۶۷.

۴۲- همان، صص ۹-۲۶۸.

۴۳- بوزان، *پیشین*، صص ۹-۱۵۸.

۴۴- ریچارد فالکنرات، رابرت نیومن و برادلی تایبر، *پائینده آسیل امریکا* (تهران: دوره عالی جنگ،

دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۱)، صص ۹-۸.

۴۵- همان، صص ۴-۱۲۳.

۴۶- همان، صص ۸-۲۱۷.

47- John Bayhis & Stave Smith, *The Globalization of World Politics: An Introduction to international Relations* (Oxford: Oxford University Press, 2005) و P. 481.

۴۸- فرزاد پورسعید، «تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات*

راهبردی، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۲۸-۸۲۷.

۴۹- لیتنر نیگر، *تروریسم پسامدرن*، ترجمه سعید آقاعلی خانی، شرق، شماره ۴۷۶، (۱۳۸۴/۳/۱)

ص ۸.

۵۰- پورسعید، *پیشین*، ص ۸۳۴.

۵۱- مهدی عباسی؛ «اینترنت ابزار سیاست: تروریسم مجازی تهدیدی برای آینده»، *فرهنگ و*

فناوری، شماره سوم، دی و بهمن ۱۳۸۳، ص ۳۳.

52- See, Jeffrey A. Hart, *Social Science Computer Review* (New York: Sage, 1998).

۵۳- بوزان، *پیشین*، ص ۱۴۱.

54- See, Jeffrey, *Op. Cit.*

۵۵- فالکنرات، نیومن و تایر، *پیشین*، ص ۲۳۹.

۵۶- همان، ۲۳۹.

۵۷- همان، ص ۹۲.

58-John C. Rood, “*The International Security and Nonproliferation*” (October 2005), [1386/5/22]. Available at: <http://usinfo.state.gov/journals/itps/0207/ijpe/rood.htm>

۵۹- اف. جی. هوفمن. *استراتژی های رقابتی / ارزیابی خالص*، ترجمه عبدالحسین حجت زاده،

ماهنامه نگاه، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، ص ۳۰.

۶۰- فالکنرات، نیومن، *پیشین*، ص ۹۴. در مورد توان هسته ای کشورها به مقاله زیر مراجعه شود:

John Burroughs, “*The Nuclear Threat: Basics and New Trends*”, presented at International Congress, June 23-27, 2004, Barcelona. Available at: http://www.lcnp.org/disarmament/Barcelona_WMD.pdf

۶۱- در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه ۱۵۴۰ تصریح کرد که وجود

سلاح های هسته ای، میکروبی و شیمیایی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی است.

62- Roland Dannreuther, International Security: *The Contemporary Agenda* (Cambridge: Polity Press, 2007), P. 15-16.

۶۳- در مورد توانایی کشورها در زمینه سلاح های غیرمتعارف به تارنمای اینترنتی زیر مراجعه کنید:

http://www.nationmaster.com/graph/mil_wmd_mis-military-wmd-missile

64- Janne E. Nolan, Bernard I. Finel, and Brian D. Finlay, (eds), *Ultimate Security: Combating Weapons of Mass Destruction* (New York: The Century Foundation Press, 2003), PP. 53-54.

◇ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی

۶۵- در این مورد به تارنمای سازمان ملل با عنوان صلح و امنیت از طریق خلع سلاح در آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید:

<http://disarmament2.un.org/wmd/missiles.htm>

66- Neil Tickner, “*Media Coverage of WMD Issue Gets Failing Grade: UM Study*”, (March 9, 2004). Available at: www.cissm.umd.edu/documents/WMDstudy_full.pdf

۶۷- ر. ک. ناصر ثقفی عامری. جنگ ستارگان (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰).

68- Dannr Euther, *Op. Cit.*, PP. 13-20.

۶۹- اسنایدر، *پیشین*، صص ۱۲۷-۱۲۲.

